

نقد دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار^۱ درباره ازدواج و مادری با رویکرد به اندیشه‌های امام خمینی^(س)

رسول رسولی پور^۲

ناهد مهدوی^۳

چکیده: هدف اصلی این تحقیق، نقد و بررسی دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار، اگزستانسیالیست معروف فرانسوی، با استناد به آیات و روایات و با رویکرد به اندیشه‌های امام خمینی است. خانم بووار نویسنده کتاب جنس دوم است که از زمان انتشار آن در سال ۱۹۴۹ تاکنون موضوع نقد و بررسی‌های فراوانی هم در حوزه فمینیسم اجتماعی و هم الهیات فمینیستی بوده است. فمینیسم پدیده‌ای یک‌دست نیست اما در یک تعریف نسبتاً شامل می‌توان گفت که مخالفت با هر شکل تبعیض اجتماعی، شخصی و اقتصادی که زنان به دلیل جنسشان متحمل می‌شوند، فمینیسم یا مکتب اصالت زن است. طرفداران این دیدگاه تلاش کرده‌اند شخصیت زن را در قالب الگویی نشان دهند که متناسب با تمدن جدید دنیای غرب عرضه شده و نشانه‌ای از تفکر نو، انقلابی و اصلاحی تلقی شود؛ در حالی که دین اسلام مدعی بازتعریف ماهیت زن به‌عنوان یک انسان و اعاده هویت و حقوق از دست رفته زن در همیشه تاریخ و ارائه الگویی متعالی برای این تجلی زیبای پروردگار است. در این تحقیق که با روش مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته است، به نقد و بررسی دیدگاه سیمون دوبووار در رابطه با نقش مادری و همسری زن پرداخته و در برابر، موضع اسلام را با استناد به آیات و روایات، و همچنین آرای امام خمینی ارائه می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: زن، همسر، مادر، اسلام، فمینیسم

1. Simone De Beauvoir

e-mail: rasouli@khu.ac.ir

e-mail: n.mahdavi52@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه خوارزمی

۳. مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس حکیم فردوسی البرز

مقدمه

از جمله مسائل مهمی که ذهن زن را در اعصار مختلف به خود مشغول کرده است، جایگاه فرودست او نسبت به مردان در جامعه است که به اعتقاد برخی، ریشه آن در تفاوت‌های فیزیولوژیک آن دو است، به طوری که این تفاوت‌ها باعث برتری مردان نسبت به زنان از بدو آفرینش شده است. فرهنگ مرد سالار جوامع، برتری مرد را هم به مرد و هم به زن القا کرده است و بی‌اطلاعی، محرومیت از آموزش، منفعل بودن زنان در قدیم، و شتابزدگی و افراط آنان در دفاع از حق خود، محرومیت زن را حتی در عصر جدید در پی داشته است. در نتیجه این تبعیض، حق انتخاب، روش زندگی، حق آموزش، اشتغال، نوع تفریحات و سرگرمی‌های هر زنی از ابتدای تولد، با طرز تفکر و انتخاب پدر، برادر بزرگ‌تر، و بعد از ازدواج، با همسر و نهایتاً با فرزندان ذکور او گره خورده است. به عبارت دیگر، زن در طول تاریخ منفعل و متأثر از این سوگیری‌های مردانه ضعیف نگه داشته شده است فلذا به دنبال تغییر وضعیتش به وضعیت مطلوب جنبش‌های زیادی در سراسر جهان علیه مردسالاری و قدرت مردان به راه انداخته است. مهم‌ترین جنبش جریانی به وجود آمده، جریان «فمینیستی» است که در قرن نوزدهم به اوج خود رسید و نشانه‌ای از تفکر نو، انقلابی و اصلاحی تلقی شد. این جریان، مولود تمدن جدید دنیای غرب بود و به تدریج گسترش یافت و تمامی مناسبات اجتماعی را در همه جوامع، خصوصاً جوامع جهان سوم تحت تأثیر قرار داد و پرچمدار داعیه تساوی حقوق زن و مرد در جهان شد.

از طرفی دیگر، اندیشمندان مسلمان پیش و پس از طرح مکتب و گرایش اجتماعی فمینیسم، با استناد به آیات قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و روایات معصومین (ع)، بر این باور بوده‌اند که خداوند به عنوان خالق و مربی انسان، کامل‌ترین و عادلانه‌ترین نظر را راجع به حقیقت انسان، چه زن و چه مرد، در قرآن کریم ابراز داشته و اسلام همواره چراغ روشن و نور امیدآفرین برای جامعه زنان بوده و هست. در روزگاری که خورشید تابناک وحی و نسیم آسمانی و جان‌پرور بر دل مردگان دمیده و به آن عمل شده، بارقه امید زندگانی انسانی و آبرومندانه برای جامعه زنان پدید آمده و تحولات ارزشمندی در جایگاه زنان اتفاق افتاده است. در عین حال، مطالعات تطبیقی و مقایسه نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی با دانشمندان غربی و پاسخ به چالش‌های فراروی زنان، امری است ضروری که تاکنون کمتر به آن توجه شده است؛ زیرا مسأله زن مسلمان امروز، تشخیص وظیفه و موقعیت خود با تکیه بر یک منبع مطمئن و آرامش‌بخش برای از سرگیری

فعالیت‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و ... است که اگر آن را در میان اصول و ارزش‌های قرآنی بیابد، استوار و قدرتمند در راه ساختن جامعه‌ای ایده‌آل مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای آیین خود اقدام خواهد کرد. در راستای ضرورت تبیین و بررسی جریان فمینیستی در مسأله ازدواج و مادری، و در برابر آن، آموزه‌های اسلام، به مقایسه آرای خانم سیمون دوبووار از بزرگان جنبش فمینیستی در برابر دیدگاه امام خمینی در این باب پرداخته‌ایم.

دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار در رابطه با زن، ازدواج و مادری

الف) زن

براساس دیدگاه فمینیستی خانم دوبووار، زندگی زن در قدیم با ازدواج معنا پیدا می‌کرد و پایگاه و منزلت اجتماعی او در سایه همسرمداری و مادری ارتقا می‌یافت. ولی زندگی زن مدرن، با اشتغال و استقلال مالی معنادارگشته و پایگاه و منزلت اجتماعی او با ارتقای وضعیت درآمد و رتبه شغلی وی سنجیده می‌شود.

بووار می‌گوید:

سرنوشتی که جامعه سنتی به زن تحمیل می‌کند، ازدواج است. اغلب زنان، امروزه هم، یا ازدواج کرده‌اند یا آماده ازدواج می‌شوند؛ در غیر این صورت اگر ازدواج نکرده باشند، رنج می‌برند. زن مجرد، خواه محروم مانده از پیوند، خواه طغیان کرده بر آن، یا حتی بی‌اعتنا به این نهاد، بر اساس ازدواج تعریف می‌شود. اما تحول اقتصادی وضع زن در شرف زیر و رو کردن نهاد ازدواج است. ازدواج به پیوند دو فرد مختار که آزادانه به آن رضایت داده باشند بدل می‌شود. تعهدهای دو طرف، جنبه شخصی و متقابل دارد. حق طلاق را هر کدام از آن دو می‌توانند با شرایط یکسان کسب کنند. زن، دیگر به وظیفه تولید مثل محدود نمی‌شود؛ تولیدمثل، بخش اعظم ویژگی بردگی طبیعی خود را از دست داده است و به مثابه وظیفه‌ای که داوطلبانه به عهده گرفته شده باشد جلوه می‌کند و به کار تولیدی نیز شباهت یافته است (بووار ۱۳۷۹: ۲۲۹).

از نظر بووار، ازدواج نیز هیچ‌گاه مانع حقارت و فرودستی زن و برتری جویی‌های مردان نشده بلکه سند وابستگی و نیازمندی او به مرد را امضا کرده است. با این همه، ازدواج همیشه به نحوی

اساساً متفاوت از نظر مرد و زن، جلوه کرده است. هر دو جنس برای یکدیگر لازم و ضروری هستند، ولی این ضرورت هرگز بین آنها تساوی پدید نیاورده است. بووار گله‌مند از آن است که زنان هیچ‌گاه طبقه‌ای ایجاد نکرده‌اند که در مبادله‌ها و قراردادها، معادلی در قبال مردان باشند. او معتقد است که از نظر اجتماعی، مرد فردی خودمختار و کامل است؛ ولی هیچ‌گاه زن شایستگی تساوی او را کسب نکرده است. آزادی انتخاب برای دختر جوان، همواره بسیار محدود بوده است و بی‌همسری، منزلت اجتماعی او را تنزل می‌دهد. ازدواج یگانه وسیله تأمین معاش او و یگانه توجیه اجتماعی وجود اوست (بووار ۱۳۷۹: ۲۳۰).

از نظر بووار، تمایل طبیعی مرد، اقدام و عمل است؛ او باید تولید کند، مبارزه کند، بیافریند، پیشرفت حاصل کند، به سوی تمامیت جهان و بی‌پایانی آینده تعالی یابد اما ازدواج، زن را در حالتی مقید و محدود نگه می‌دارد. بنابراین، زن، آنچنان که بووار مرثیه‌اش را می‌خواند، چیزی نمی‌تواند به خود عرضه دارد و کاری ندارد جز اینکه وجود خود را به دست مرد بسپارد و مرد به آن معنا ببخشد. این امر متضمن انصرافی عاجزانه از جانب زن است؛ اما زن از این بابت پاداش می‌گیرد زیرا وقتی از هدایت و حمایت نیروی مردانه برخوردار شد از تنهایی و عزلت نخستین نجات خواهد یافت، به صورت ضرورتی در خواهد آمد. بنابراین خانواده برای زن، از دیدگاه بووار، عبارت از سهمی است که در روی زمین به او اختصاص یافته است؛ بیان ارزش اجتماعی او و بیان درونی‌ترین حقیقت اوست. بووار می‌گوید:

زن، از طریق کار خانگی، کاشانه‌اش را به خود اختصاص می‌دهد و احساس مالکیت و قدرت می‌کند. از این روست که حتی اگر کمک داشته باشد، علاقه دارد که خودش دست به کار بزند. بسیاری از نویسندگان زنانه، با عشق و علاقه، از پارچه تازه اتو شده، از درخشش آبی رنگ آب صابون، از ملحفه‌های سفید و ... سخن گفته‌اند. زن خانه‌دار هر روز باید ظرف‌ها را بشوید، اثاث را گردگیری کند، لباس‌های کثیف را بشوید و اتو کند، او فقط در جا می‌زند، هیچ کاری نمی‌کند فقط احساس مبارزه با بدی را دارد (بووار ۱۳۷۹: ۲۷۴).

بووار همچون دیگر فمینیست‌ها، در نقد وضعیت موجود زن، چنین ادامه می‌دهد که زن همیشه می‌کوشد جهانی ثابت و همیشگی برای خانواده پدید آورد. شوهر و بچه‌ها می‌خواهند از شرایطی که او می‌آفریند فراتر روند. از این روست که زن بابت عدم ثبات فعالیت‌هایی که سراسر

زندگی اش وقف آنها می شود دچار نفرت شده، به جایی می رسد که خدمت هایش را به زور می قبولاند: از صورت مادر و زن خانه دار به صورت نامادری و زن بدخو در می آید. به این ترتیب، کاری که زن در بطن کانون خانوادگی انجام می دهد، به او خودمختاری نمی بخشد؛ این کار به طور مستقیم برای اجتماع مفید نیست، به آینده راه باز نمی کند. زن در نگاه بووار، معنا و شایستگی خود را باز نمی یابد مگر اینکه جزو هستی هایی شود که با تولید و عمل، به سوی اجتماع تعالی پذیرند؛ یعنی این کار، به جای رهاندن زن خانه دار، او را به شوهر و فرزندان وابسته می کند؛ زن، در خلال وجود شوهر و فرزندان، خود را توجیه می کند: در زندگی آنها، جز واسطه ای غیر اصلی نیست (بسیلی ۱۳۸۵: ۳۱).

بووار در نقد موقعیت زن می گوید:

زن هر چقدر مورد احترام قرار بگیرد باز هم تابع است، ثانوی است. نفرین گرانی که بر زن سنگینی می کند این است که معنای واقعی وجودش در دست خودش نیست. از این روست که موفقیت ها و ناکامی های زندگی خانوادگی برای زن خیلی بیشتر اهمیت دارد تا برای مرد. مرد، بیش از آنکه شوهر باشد، شهروند و تولیدکننده است، زن در درجه اول و غالباً منحصرراً، همسر است کارش او را از موقعیتش نمی رهاند؛ بلکه او را در موقعیتش اثبات می کند. زن وقتی عاشق باشد، سخاوتمندانه از خود می گذرد، وظایفش را با شادی انجام می دهد؛ اگر با بغض و کینه به این کارها بپردازد، آنها را بیگاری می داند. بنابراین موقعیت زن اساساً خدمت بستری و خدمت خانگی است (بووار ۱۳۷۹: ۲۹۱).

او همچنین می افزاید که:

ماجرای غم انگیز ازدواج این نیست که سعادت را که به زنان نوید می دهد برای آنان تأمین نمی کند. در مورد سعادت تضمین وجود ندارد. بلکه ماجرای غم انگیزتر این است که ازدواج، زن را مثلثه می کند، او را وقف تکرار و امور روزمره می کند (بووار ۱۳۷۹: ۳۳۶).

اقدام های واقعی و کار واقعی، به اعتقاد بووار، در انحصار مرد است: زن فقط اشتغال هایی دارد که گاه ستوه آورند، ولی هرگز جواب خواسته های او را نمی دهند. مرد می خواهد زن به طور کامل به او تعلق داشته باشد ولی خودش متعلق به زن نباشد. بووار مرد را کسی می داند که از

زن می خواهد همواره حاضر باشد، ولی مزاحم نشود. مرد می خواهد به صورت زوج زندگی کند و ضمناً تنها هم باشد.
بووار می گوید:

ممکن است گفته شود شکل سنتی ازدواج در حال تغییر است، ولی ازدواج هنوز هم نوعی ستمکاری پدید می آورد. زن و شوهر امروزی تقریباً برابرند، اختلاف سنی و فرهنگی مرد و زن نسبت به گذشته کمتر است؛ مرد خودمختاری مورد مطالبه زن را با رضایت بیشتری به رسمیت می شناسد. تفریح های آنها مشترک است؛ سفرهای توریستی، شنا و غیره. زن روزهای خود را در انتظار بازگشت شوهر نمی گذراند؛ ورزش می کند، با انجمن هایی مرادده دارد، در بیرون خانه سرگرم می شود، حتی گاهی شغل کوچکی دارد که مختصر پولی برایش می آورد ولی هیچکدام از اینها تساوی به ارمان نمی آورد و تا وقتی مرد مسئولیت اقتصادی را بر عهده دارد برابری محقق نمی شود (بووار ۱۳۷۹: ۳۴۱).

همچنین ایشان در تعلیل موقعیت نابسامان زن به این موارد اشاره می کند:

۱. مرد به اقتضای شغلش، اقامتگاه زوج را تعیین می کند.
۲. سطح زندگی مطابق درآمد مرد تثبیت می شود.
۳. برنامه های روزانه، هفتگی و سالیانه بنا بر رفتاری های او تنظیم می گردد.
۴. غالباً رابطه ها و دوستی ها به حرفه مرد بستگی دارد.
۵. مرد چون به نحوی مثبت تر از زن جزو اجتماع شده است، اداره زن را در قلمروهای فکری، سیاسی و اخلاقی به عهده دارد.
۶. زن اگر امکان تأمین معاش خود را نداشته باشد، طلاق برایش جز امکانی انتزاعی نیست. وی در جمع بندی موقعیت حاصل شده در نتیجه موارد یاد شده می گوید:

بنابراین نابرابری عمیق، ناشی از این است که مرد با کار و عمل، واقعاً به خود کمال می بخشد حال آنکه آزادی زن به مثابه همسر، سیمایی بسیار منفی دارد. زن، حتی زمانی که با آزادی ظاهری رفتار می کند، باز هم برده است؛ حال آنکه مرد از خودمختاری بهره می برد وظایفی بر دوش دارد که مسلم ترین وظیفه هاست ولی زن مانند انگلی از او تغذیه می کند. و واقعیت

این است که قانون‌های مردانه و نیز اجتماعی که مردها به دست خود و به نفع خودشان ساخته‌اند، وضع زندگی زن را به این شکل تعیین کرده است (بووار ۱۳۷۹: ۳۴۱).

(ب) مادری:

مقید کردن زن در مادری نیز در حکم تکرار است و اینکه فرزند برای زن تکمیلی ممتاز است، درست نیست؛ همانطور که آنتیا استکل می‌گوید:

فرزندان قائم‌مقام‌های عشق نیستند؛ نمی‌توانند جای هدف زندگی درهم شکسته را بگیرند، مصالحی که کارشان پر کردن خلأ زندگی ما باشد نیستند؛ مسئولیت تعهد و وظیفه سنگینی هستند؛ نه بازیچه پدر و مادرند، نه مکمل نیاز زندگی آنها؛ و نه علی‌البدل جاه‌طلبی‌های ارضا نشده آنها (Oliver 2000: 23).

این تعهد، هیچ چیز طبیعی ندارد؛ طبیعت هرگز نمی‌تواند انتخاب اخلاقی القا کند؛ این انتخاب متضمن الزام است. به وجود آوردن کودک، قبول تعهد است؛ زیرا اگر مادر بعداً شانه خالی کند، نسبت به وجود انسانی، مرتکب خطا می‌شود؛ اما هیچ کس نمی‌تواند آن را به زور به او بقبولاند. رابطه مادر با فرزندان به روابط او با شوهر، گذشته، مشغله و بالاخره با خود او ارتباط پیدا می‌کند. از نظر سیمون دوبووار، مادری مقام والایی دارد و زن از طریق مادری به بهترین نحو کمال می‌پذیرد؛ اما به شرطی که این وظیفه را آزادانه به عهده بگیرد. بایستی زن در موقعیت روانی، اخلاقی و مادی باشد که اجازه تحمل بار آن را به او بدهد، در غیر این صورت نتایج آن شوم خواهد بود (احمدی ۱۳۷۹: ۴۰).

تنها زن متعادل، سالم، آگاه بر مسئولیت‌های خود، قادر خواهد بود مادری مهربان باشد ولی از نظر خانم بووار جامعه هنوز شرایط و زمینه مناسبی برای پرورش چنین زنی را فراهم نکرده است؛ زیرا ازدواج‌ها غالباً به این گونه است که افراد با ضعف‌هایشان در آن به هم پیوند می‌خورند نه با قوت‌هایشان؛ و هر کسی به جای اینکه از بخشیدن لذت ببرد از دیگری طلب کمک می‌کند و رؤیای اینکه حرارت و شور و عشقی که انسان نتوانسته در سایه ازدواج فراهم کند از طریق فرزند می‌تواند به آن دست یابد، ناامیدکننده‌تر است. از نظر بووار، عشق مادری جنبه طبیعی ندارد و به همین علت است که مادران بد وجود دارند و نه تنها مادری امتیازی برای زن نیست و کودک در آغوش مادر سعادت می‌یابد بلکه از نظر روانکاو، خطر بزرگی که پدر و مادرهای عادی

برای کودک ایجاد می‌کنند بیش از سعادت آنهاست؛ زیرا آنها عقده‌ها، وسواس‌ها، ناراحتی‌های عصبی که از گذشته خانوادگی یا اجتماعی آنها ریشه می‌گیرد، به فرزندان انتقال می‌دهند و برای آنها از نامطلوب‌ترین همراهان به شمار می‌روند. آنهایی که عمیقاً نشانی از داغ زندگی خانوادگی خود دارند، در میان عقده‌ها و محرومیت‌ها به فرزندان خود نزدیک می‌شوند و این سلسله بی‌نوبی به نحوی بی‌پایان ادامه دارد.

بووار بر این باور است که:

بین نگاه تحقیرآمیزی که جامعه به زن دارد و نگاه محترمانه‌ای که به مادر می‌شود سوءنیت خاصی وجود دارد و این تناقض جنایتکارانه است که تمام فعالیت‌های عمومی از زن مضایقه شود، عرصه‌های کسب و کار مردانه به رویش بسته بماند، ناتوانی‌اش در تمام زمینه‌ها اعلام شود، و در عین حال ظریفترین و دشوارترین اقدام‌ها؛ یعنی تربیت فردی بشری به او واگذار شود. عادت‌ها و سنت‌ها هنوز هم آموزش، فرهنگ، مسئولیت‌ها و شرکت در فعالیت‌هایی که باعث امتیاز مردان است را از بسیاری از زنان دریغ می‌دارند؛ ولی کودکان را بی‌پروا به آغوش آنان می‌دهند (ایولین ۱۳۸۳: ۲۴).

مقید کردن زن در مادری، نوعی تکرار است که زن امروز می‌خواهد آن را با مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و ... پایان دهد و از حد خود فراتر رود. زن نمی‌تواند به زندگی که فقط یک جهت دارد تن دهد. او نمی‌تواند مادر باشد، ولی برای اینکه در زندگی سیاسی و اجتماعی سهمی داشته باشد، کوشش به عمل نیاورد؛ زیرا زندگی سیاسی و اجتماعی و قوانین حاکم بر آن مستقیماً در تربیت فرزند او شراکت دارد. در جامعه‌ای که به نحو شایسته‌ای سازمان یافته است، مادر شدن منافاتی با اشتغال ندارد بالعکس زنی که کار می‌کند - شیمیدان، نویسنده، محقق، ... - به علت آنکه غرق در عالم خود نیست، سهل‌ترین بارداری‌ها را خواهد داشت، زنی که استقلال مالی دارد بیشترین را به فرزند خود می‌دهد و از او مطالبه‌ای ندارد؛ ولی آنچه باعث اذیت و آزار زنان شاغل می‌شود این است که آنان نمی‌توانند بین منافع فرزندان خود و حرفه‌ای که آنها را ساعت‌ها از خانه دور نگه می‌دارد و تمام نیرویش را می‌گیرد، سازگاری برقرار کند و غالباً با سختی مواجه می‌شوند. علت آن است که از یک سو، کار زن هنوز بردگی است و از سوی دیگر برای تأمین مراقبت، نگهداری و آموزش کودکان در خارج خانه هیچ‌گونه کوششی به عمل نیامده است. از این رو، پای نوعی ستم اجتماعی در میان است از طرفی دیگر این ادعا که مادر شدن باعث می‌شود

زن هم‌سنگ عینی مرد در جامعه باشد سفسطه‌ای آشکار است تا وقتی که پدر رهبر اقتصادی خانواده باشد، هر چند که مادر خیلی بیشتر هم به فرزندان پردازد، باز هم فرزندان بیشتر به پدر وابسته‌اند تا مادر، از طرفی دیگر کارهایی که برای زن در نظر گرفته شده‌اند به خوبی باهم تطابق پیدا نمی‌کنند.

بووار شاکی است که:

جراید زنانه به طور فراوان به زن این هنر را تعلیم می‌دهند که جاذبه‌های خود را حفظ کنند و در عین حال ظرف هم بشویند و آشپزی هم بکنند، در خلال بارداری رعنا و ظریف بمانند، طننازی، مادری، صرفه‌جویی را باهم سازگار کنند، اما زنی که خود را مکلف بداند که این دستورها را به دقت به کار بیندد، خیلی زود آشفته می‌شود و به سبب هم و غم‌ها و نگرانی‌ها تغییر قیافه می‌دهد، از زنی که پوست دست‌هایش ترک برداشته و بر اثر زایمان اندامش عوض شده، بسیار مشکل می‌توان خواست که میل‌انگیز باشد (بووار ۱۳۷۹: ۴۰۴).

تعجبی ندارد که از نظر بووار، زنی که در میان این همه تناقض دست و پا می‌زند، غالباً روزهایش را در حالت عصبی و ترشروی بگذراند. پس از نظر او، نه مادری و نه ازدواج نمی‌تواند آنچه را جامعه از زن گرفته است به او بدهد و تنها راه خلاصی زن از این تناقض‌ها و حقارت‌ها برقراری حقوق مساوی برای زن و مرد در جامعه است.

آموزه های اسلام در مسأله زن، ازدواج و مادری

الف) زن و ازدواج:

اما نگرش اندیشمندان اسلامی همچون امام خمینی به ازدواج و مادری، کاملاً متفاوت است. ایشان براساس آیات و روایات متعددی که وجود دارد، ازدواج را معلول نیاز روحی مرد و زن به یکدیگر و تأمین آرامش و سکینه همدیگر می‌داند نه تکرار و روزمرگی. و علت تمایل آدم به حوا را مایه انس وی دانسته است و خداوند نیز همین اصل را پایه ارتباط آنها قرار داده است و این انس انسانی قبل از ظهور غریزه شهوت جنسی بوده؛ زیرا جریان غریزه جنسی را خداوند بعداً بر آنها القا نمود. در این دیدگاه بنای خانواده بر پایه مهر و عطوفت استوار است، نه بر پایه رقابت زن و مرد. در الگویی که اسلام برای خانواده طراحی کرده، مدیریت و تدبیر خانواده بر عهده تلاش‌ها و

فداکاری‌های زن و مرد با هم است؛ نه فقط بر دوش یکی از آن دو. خداوند متعال در سوره روم چنین می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱). مطالبی که از این آیه کریمه بر اساس دیدگاه امام خمینی استنباط می‌شود عبارتند از:

۱. تمام زن‌ها از لحاظ گوهر هستی و اصل مبدأ قابل، همتای مردانند و خلقت هیچ زنی جدای از خلقت مرد نیست.

۲. تمام زن‌ها از لحاظ حقیقت، از سنخ گوهر مردانند؛ نظیر آنچه درباره رسول اکرم (ص) تعبیر شده است که:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ» (آل عمران: ۱۶۴) «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» (توبه: ۱۲۸). البته تفاوت فراوانی بین پیامبر اکرم (ص) و دیگران وجود دارد ولی این تفاوت باعث نمی‌شود وجود پیامبر (ص) نوعی جدای از نوع انسان باشد؛ همچنانکه وجود حضرت زهرا (س) دارای امتیازهای فراوانی است که در غیر انبیاء و ائمه (ع) یافت نمی‌شود و تمامی ابعاد متصور برای انسان، در فاطمه زهرا (س) جلوه‌گر است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۳۷). این تمایزهای معنوی مانع وحدت نوعی آن حضرت با زنان دیگر نخواهد بود. منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، همان مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها قرار داد، و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی و حیوانی است ایشان با اشاره به روایت امام صادق (ع) در حدیث معروف ژراره که اصالت در گرایش مرد و زن را همان محبت الهی می‌دانند، معتقدند که دلیل تشکیل خانواده، تشکیل حوزه رحمت و محبت الهی است و زن عهده-دار ایجاد این رحمت است (جوادی آملی ۱۳۷۸: ۵۱). از این رهگذر است که زن محبوب رسول اکرم (ص) واقع شده است که فرمود: «حَبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ النِّسَاءَ وَالطَّيِّبَ وَ قِرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (شیخ صدوق الف بی تاج ۱: ۱۵۴). و در پرتو همین نگرش است که حضرت امام باقر (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ» (طبرسی ۱۳۶۵ ج ۱: ۱۹۶) و امام صادق (ع) نیز از پیامبر (ص) نقل فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ ...» (شیخ صدوق بی تاج ۳: ۲۵۱) و حضرت امام صادق (ع) فرموده است: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ» (شیخ صدوق بی تاج ۳: ۲۵۱).

نگرش اسلام به زن و تنظیم حقوق او و اینکه حیثیت وی جنبه حق‌الله دارد نه حق‌الناس و هتک حرمت او برای هیچ کس جایز نیست و همگان موظف به پاسداری از مقام زن هستند در خلال

احکام مشهود است. مثلاً اگر کسی به او هتک حرمت کند رضایت خود او و همسرش مانع از اجرای حدّ بر متجاوز نمی‌شود؛ زیرا ناموس او جنبه حق‌الله دارد و مانند سرقت مال و شیء نیست که اگر صاحب حق رضایت دهد اجرای حدّ از سارق ساقط گردد. بنابراین راز آفرینش زن و مرد و سرگرایش این دو به هم و انگیزه تأسیس خانواده، تربیت انسان کامل و هدف از تشکیل خانواده پرورش خلیفه الهی و مسجود فرشتگان و جامع جلال و جمال و همه اسماء خداوند است. این مهم فقط در محیطی امن و آرام امکانپذیر است و خداوند آرامش و سکینه خانواده را مرهون زن دانسته و اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده است و او را در این امر روانی، اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر او معرفی می‌کند «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) نتیجه اینکه، مهره اصلی خانواده و رحمت را زن به عهده دارد.

(ب) مادری:

در مورد نقش مادری نیز زن در آیات و روایات جایگاه ویژه‌ای دارد: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵) «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (لقمان: ۱۴). خداوند متعال در دستورهایی که به زن و مرد می‌دهد در عین حالی که احترام مشترکی برای هر دو قائل است و فرزند را به احترام هر دو فرمان می‌دهد، از زحمات مادر جدا سخن می‌گوید و زحمات سی ماهه مادر را می‌شمارد. (دوران بارداری، حداقل ۶ ماه؛ زایمان و دوران شیرخوارگی). در این بخش حتی اشاره‌ای هم به زحمت پدر نمی‌کند. آیاتی که در ارتباط با احترام مشترک است و فرزند را به احترام هر دو فرمان می‌دهند بیانگر نقش تساوی پدر و مادر در تربیت و رشد جسمانی و روحانی کودک است آنجا که می‌فرماید: «إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّةٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳) «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا» (احقاف: ۱۵) و هر جا که سخن از تجلیل و بیان زحمت است، قرآن اسم مادر را به خصوص ذکر می‌کند. و نیز حضرت امام زین العابدین (ع) در رساله حقوق، لزوم رعایت حقوق ارحام را به مقدار پیوستگی و قرابت، و اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده است. آنگاه از حق پدر سخن به میان آورده و چنین فرموده است: «و حقوق رَحِمَك كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بقدر اتصال الرَّحْمِ فِي الْقَرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقَّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقَّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقَّ وَلَدِكَ ثُمَّ...» (ابن شعبه بی تا: ۲۵۵) پس، اگر چه مادری بسیار سخت و مسئولیت سنگینی است و مادر باید فداکاری

نماید و در صورت لزوم، از برخی حقوق خود بگذرد ولی چون در راستای رشد و تکامل انسانی و در جهت قربت خداوند قرار دارد و آنچه به دست می‌آورد گران‌بها تر از آنچه از دست می‌دهد است و در معامله‌ای شرکت می‌کند که طرف دیگر آن خداوند است؛ زیرا خداوند متعال تربیت خلیفه خود را در زمین به او سپرده است. و این مسئولیت سنگین نشان از لیاقت بیشتر اوست.

خلاصه دیدگاه فمینیستی دبووار و نقد آنها از نظر دین اسلام:

۱- بووار معتقد است که ازدواج زن را به خدمت مرد در می‌آورد و او را محدود به محیط خانه و گرفتار تکرار و روزمرگی می‌کند در حالی که اقدام‌های واقعی، کار واقعی در انحصار مرد است. نقد: نگرش خداوند به زن به مثابه یک انسان است که هدف از خلقت او رشد و تکامل انسانی اوست؛ زیرا روح که حقیقت انسان است متعلق به جنس مرد یا زن نیست و انسان با روح خود به تکامل می‌رسد نه با جسم (مؤمنون: ۱۴-۱۲). بنابراین، دیدگاه قرآن نسبت به زنان متفاوت از مردان نیست. آنها هر دو مخلوقات خداوند هستند و برای رسیدن به هدف والای خلقت که همان بندگی خداوند است تلاش می‌کنند و هر دو به میزان تلاش خود پاداش می‌گیرند. به آیات زیر توجه فرماید:

«هر کس از مرد و زن، کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جا آورد ما او را در زندگی خوش و با سعادت زنده می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیک او به او عطا می‌کنیم» (نحل: ۹۷).
 «مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستار یکدیگرند، خلق را به کار نیک وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و در هر حال از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند آنان صاحب اقتدار و درست‌کردارند» (توبه: ۷۱).
 «و هر کس عمل نیک انجام دهد؛ مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن است پس داخل بهشت می‌شود و ذره‌ای مورد ظلم قرار نمی‌گیرد» (نساء: ۱۲).

۲- بووار مدعی است که ازدواج به زندگی زن معنا نمی‌دهد، به او خود مختاری و تعالی نمی‌بخشد بلکه وجود او در وجود شوهر و فرزندان توجیه می‌شود و در زندگی آنان واسطه‌ای غیر اصلی، تابع و موجودی ثانوی است.

نقد: یکی از شئون بسیار مهم زنان، نقش آنها در جایگاه همسری است، در دین اسلام و سیره معصومان^(ع) حقایقی وجود دارد که با بهره گرفتن از آنها می‌توان این نقش متعالی را تبیین نمود.

راز آفرینش زن و مرد و بسترگرایش این دو به هم و انگیزه تأسیس خانواده ایجاد یک محیط امن و آرامش توأم با سکینه است که زن عهده‌دار آن است و خداوند متعال زن را در این امر روانی اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر او می‌کند. قرأت کریم بر این مهم تأکید دارد که:

«و از نشانه‌های خداوند این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد، آری در این نعمت برای مردمانی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است» (روم: ۲۱).

امام خمینی نیز در تعالی مقام زن می‌فرماید: «زن مظهر تحقق آمال بشر است... از دامن زن مرد به معراج می‌رود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۴۱).

۳- سیمون دوبووار بر این باورست که در زندگی مشترک، زن هیچ‌گونه حقی به معنای واقعی ندارد و هیچ‌گاه برابر با مرد نیست؛ زیرا چون زن استقلال مالی ندارد، اگر حقی هم برای او لحاظ شود، صرفاً انتزاعی است و هیچ‌گاه محقق نمی‌گردد.

نقد: ناموس زن جنبه حق الهی دارد. و خداوند خود حق زن را تضمین کرده است. اسلام شخصیت مستقل زن را تضمین کرده است به گونه‌ای که شوهر اجازه ندارد سهمی در مالکیت همسر داشته باشد. مگر آنهایی را که همسر با رضایت کامل و آزادانه به او تقدیم کرده است.

مؤید این معنا قرآن کریم است که می‌فرماید: «مهریه زنان را در کمال رضایت طیب خاطر بپردازید پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خوشنودی به شما بخشیدند برخوردار شوید که آن شما را گوارا و حلال خواهد بود» (سابق ۱۴۲۴ ج ۲: ۱۶۰).

در اسلام حق طلاق به مرد داده شده اما در مقابل حق فسخ عقد به طریقی که به آن خلع می‌گویند (همچون ظلم شوهر، بی‌وفایی مرد، ترک بی‌مورد، ناتوانی در زناشویی و...) به زن داده شده است (سابق ۱۴۲۴ ج ۲: ۲۹۱) در اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی

تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

۴- بووار همچنین معتقد است طرفداری از این عقیده که زن از طریق مادری همسنگ عینی مرد می‌شود، فریبی بیش نیست. در نظر او، تا وقتی که مرد رهبر اقتصادی خانواده باشد، هرچند که زن خیلی بیشتر هم به فرزندان پردازد، باز هم فرزندان به پدر وابسته‌اند تا مادر؛ و مادری شخصیت ممتاز و تکمیلی برای زن نیست.

نقد: آیات قرآن در حق شناسی از والدین به دو قسم است: یک قسم حق شناسی مشترک که فرزند را به احترام هر دو فرمان می‌دهد: «و سفارش کردیم انسان را به نیکی به پدر و مادرش» (احقاف: ۱۵) یا «اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخورده‌گی رسیدند به آنها حتی اف هم نگو و به آنها پرخاش نکن و با آنها سخنی شایسته بگو» (اسراء: ۲۳).

قسم دیگر، احترام و قدرشناسی ویژه از مادر که نشان از جایگاه خاص و ممتاز مادر است؛ آنجا که زحمات سی ماهه مادر را می‌شمارد و در این موضع حتی اشاره‌ای هم به پدر نمی‌کند (احقاف: ۱۵) علاوه بر این، در روایات متعدد به حرمت و عظمت مقام مادر تأکید شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«هرکس پیشانی مادر خویش را ببوسد از آتش جهنم مصون است» (پاینده ۱۳۸۲: ۱۲۵).

«هرکس به مادر خویش بی احترامی کند و ناسزا بگوید ملعون است» (پاینده ۱۳۸۲: ۱۲۵).

«بهشت زیر پای مادران است» (نوری ۱۳۷۳ ج ۱۵: ۱۸).

۵- بووار گفته است که مقید کردن زن در مادری نیز در حکم تکرار است، امروزه زن خواهان مشارکت در جنبشی است که جامعه بشری مدام از طریق آن راه ترقی را می‌پیماید. زن نمی‌تواند به نوعی از زندگی تن دهد که فقط یک جهت دارد؛ یعنی مادر باشد ولی در زندگی سیاسی و اجتماعی سهمی نداشته باشد.

نقد: در نگاه اسلام، با توجه به نظر واقع بینانه به انسان و تکالیف او، موقعیت بانوان به نحو اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با عنایت به ساختار خلقت زن، به تبیین حقوق او پرداخته است؛ به نحوی که در هیچ مکتبی اینگونه حریم و حقوق زنان مورد حمایت قرار نگرفته و شأن منزلت آنان مصونیت پیدا نکرده است. در زیر، شواهدی بر این مدعا ارائه می‌شود:

در تعالیم اسلام، مادری هیچ منافاتی با شرکت زن در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ندارد و در قرآن زنان و مادران، نمونه ذکر شده‌اند و به عنوان الگو معرفی شده‌اند و سنت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در بیعت گرفتن از زنان دلالت بر شرکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی دارد. تاریخ اسلام سراسر گواه بر حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است (دفاع حضرت زهرا (س) از حریم ولایت و حضور حضرت زینب (س) در کاخ یزید نمونه‌هایی از این واقعیت است). همچنین با اشاره به تاریخ سنت‌های انبیای پیشین، خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، همسر فرعون را مثال می‌زند: «زمانی که گفت: پروردگارا برای من در بهشت و در نزد خودت جایگاهی بنا کن، و مرا از فرعون و اعمال او و از قوم ظالم نجات ده» (تحریم: ۱۱).

پرورش انسان کامل و مسجود فرشتگان همسنگ کارهای عادی و تکراری روزمره نیست بلکه مسئولیت بسیار سنگین و مهمی است که واگذاری آن به مادر، نشان از لیاقت و توانایی او دارد. «زن ریحانه هستی و مظهر جمال الهی است، اوست که به دنیا می‌آورد، می‌پروراند و شخصیت می‌دهد؛ زن بخش زیبا، لطیف و مستور آفرینش است» (سخنرانی مقام معظم رهبری تیرماه ۱۳۸۶) مادری مقامی است که هم مسئولیت و هم ظرفیت سازندگی و ترکیه را دارد. «اگر زنهای انسان‌ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۰).

۶- برای بووار، عشق مادری جنبه طبیعی ندارد و به همین علت است که مادران بد وجود دارند.

نقد: این واقعیت غیر قابل انکار است که انسان‌ها با ویژگی‌های یکسان به دنیا نمی‌آیند و این تفاوت‌ها چه در خصوصیات بدنی و چه در توانایی‌های ذهنی و هوشی قابل شناسایی است، همچنین شرایط اجتماعی و محیط طبیعی زندگی انسان و عکس‌العمل و پاسخ انسان به محرک‌های بیرونی نیز یکسان نیست؛ به عنوان مثال بعضی افراد در برابر دعوت به حق و ترغیب به ایمان، آمادگی و پذیرش فراوانی از خود نشان می‌دهند و بعضی دیگر با شنیدن وحی الهی و آیات و معجزات نه تنها ایمان نمی‌آورند بلکه بر عناد و کفرشان افزوده می‌شود. قرآن کریم به زیبایی این حقیقت را بیان نموده است: «و ما از قرآن آنچه را مایه درمان قطعی و رحمت است بر مؤمنان نازل می‌کنیم و ستمکاران را جز زیان نمی‌افزاید» (اسراء: ۸۲) ولی وجود تفاوت‌های فردی به معنای انکار امور فطری یا بی‌اثر بودن آنها نیست؛ زیرا امور فطری به یک اندازه در افراد بیدار و شکوفا

نمی‌شود. بنابراین، عشق مادری جنبه طبیعی دارد ولی تفاوت‌های وراثتی، محیط و شرایط اجتماعی، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، هر یک سهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد.

زن در خانواده دو قدرت مهم دارد که همه رهبران الهی برای اداره امور و بهبود آن نیازمند آن دو هستند: یکی قدرت تحول و دیگری قدرت تحمل. خداوند با این دو قدرت، کلام مادر را تأثیر گذار کرده و چون او از در عاطفه که در باز قلب انسان است وارد می‌شود، کلام و کردارش بسیار اثر گذار است. امروزه در روانشناسی مدرن این مطلب را تأیید کرده‌اند که پژواک صدای مادر هفت برابر صدای پدر در روح و جان فرزند مؤثر است (بهداروند ۱۳۸۷: ۶۸).

۷- بووار بین نگاه تحقیر آمیزی که جامعه به زن دارد و نگاه محترمانه‌ای که به مادر می‌شود، تناقض جنایتکارانه‌ای می‌بیند.

نقد: در نگاه اسلام، جایگاه زن و دختر جدای از نقش مادری مورد توجه خاص قرار گرفته است. در همین رابطه است: نکوهش خداوند از رسم جاهلی عرب در زنده بگور کردن دختران (تکویر: ۹)؛ نزول سوره کوثر در شأن حضرت فاطمه (س)؛ تکریم حضرت فاطمه از طرف پیامبر (ص)؛ و این روایت که: «هر کس دخترش را بزرگ بدارد و با او رفتار نیک داشته باشد، از جانب خداوند در مقابل دوزخ حراست خواهد شد» (متقی ۱۹۹۵ ج ۱۶: ۴۲۶). در اسلام، هیچ تفاوتی بین مولود پسر و دختر وجود ندارد و حتی قرآن تولد دختر را هدیه‌ای از جانب خداوند می‌داند. و احادیث فراوانی که در تکریم فرزند دختر و خیر و برکت تولد او آمده دلالت بر جایگاه ویژه او دارد. در قرآن می‌خوانیم که: «خداست تنها مالک آسمان‌ها و زمین، هر چه را که بخواهد می‌آفریند، به هر که بخواهد فرزند دختر و هر که بخواهد فرزند پسر عطا می‌کند» (شوری: ۴۹) همچنین در ازدواج، دختر همانند پسر در تصمیم‌گیری و انتخاب آزاد است و هیچ اجباری در کار نیست و بدون رضایت او پیوند ازدواج اعتباری ندارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «با زنان چه باکره و غیر باکره در امر زناشویی مشورت کنید و با آنان پیوند زناشویی نبندید مگر به خواست خودشان» (حر عاملی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۲۱۴).

۸- تنها راه نجات زن از نظر بووار، استقلال مالی و داشتن مسئولیت اقتصادی همپای مردان در خانواده است. زن نمی‌تواند رهایی بیابد مگر زمانی که به نسبت اجتماعی زیاد در کار تولید شرکت جوید و در حد بسیار ناچیزی کار خانگی او را به خود بخواند. و این امر از دیدگاه بووار

ممکن نیست، مگر در زمینه صنایع بزرگ که نه فقط در حد زیاد کار زن را می‌پذیرد، بلکه بدون چون و چرا، آن را ایجاب هم می‌کند.

نقد: دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیت بدان عمل می‌شد پذیرفت، بعضی را اصلاح کرد و بعضی دیگر را از بین برد. در مورد کار کردن زن، همانگونه که حق کار کردن مرد را مسلم گرفت، در مورد زن هم امضا نمود که زن همچنان بتواند کار کند. البته در آن زمان، زن بسته به شرایط محیطی به کار اقتصادی از جمله کشاورزی، صنایع دستی، تجارت، ریسندگی و بافندگی و... می‌پرداخت به عنوان نمونه تعدادی از این زنان را می‌توان نام برد: ام منذر بنت قیس که خرید و فروش می‌کرد؛ اسماء بنت مخزوم بن جندل که خرما فروش بود؛ هند بنت عقبه که از یمن عطر وارد می‌کرد و در مدینه می‌فروخت، و خدیجه بنت خویلد همسر پیامبر (ص) که از تاجران مشهور بود؛ علاوه بر این، زنان در زمینه فکری و ادبی نقش داشتند و کاهن، شاعر، حکیم، و مرجع رفع کارها نیز بودند. با این حال، اگرچه قرآن آیه صریحی درباره کار و فعالیت زنان نیاورده است ولی در مورد مردان نیز وضع به همین منوال است. پس همانطور که کار کردن مرد رواست، کار زن نیز معنی ندارد. زن قانوناً شایستگی حفظ حقوق و اموال (سهم الارث، مهریه، درآمد کسب) خود را دارد و مطلبی در قرآن و روایات در ممنوعیت کار زن نیامده است. همچنین امور حسبه در زمان پیامبر (ص) به سمرات بنت نهیک الاسدیة واگذار شده بود و وی با شلاق، کسانی را که در داد و ستد، غش و فریبکاری می‌کردند، مجازات می‌کرد. امور حسبه از مهم‌ترین و خطیرترین مناصب آن زمان بود که از واگذاری این مسئولیت مهم از طرف پیامبر (ص) به یک زن، می‌توان به میزان شایستگی زنان در امور اجتماعی پی برد (صراف ۱۳۹۱: ۲۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز امام خمینی در جلسات و سخنرانی‌های خود به صراحت از شرکت فعال زن در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به گرات حمایت کرده و زنان را به داشتن نقش اجتماعی تحریش و تشویق نمودند. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند:

باک از هیچ قدرتی نداریم؛ برای اینکه یک ملتی که زن و مردش برای جانفشانی حاضرند و طلب شهادت می‌کنند، هیچ قدرتی با آن نمی‌تواند مقابله کند... ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد مقاصد اسلامی هست آسیب نخواهد دید. ملتی که [بانوانش] در میدانهای جنگ با ابرقدرتها

و با مواجه شدن با قوای شیطانی قبل از مردها در این میدانها حاضر شده‌اند
پیروز خواهد شد. ملتی که شهید در راه اسلام، هم از بانوان دارد و هم از
مردها و شهادت را هم بانوان طلب می‌کنند و هم مردها، آسیب نخواهد دید
(امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۲۸).

ایشان در جای دیگر فرموده‌اند: «شما بانوان حق بزرگی بر ملت ایران دارید... شما همه سربازان
اسلام هستید و خدای تبارک و تعالی به همه شما که برای خدای تبارک و تعالی، عمل می‌کنید
اجر جزیل خواهد داد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۴۵).

در دیدگاه فمینیستی خانم بووار، ارزش اجتماعی زنان، صرفاً به شرکت در فعالیت‌های
اقتصادی محدود شده است؛ در حالی که در دیدگاه اندیشمندان اسلامی، با توجه به آیات و تعالیم
قرآنی، شرکت مؤثر زن در همه عرصه‌های اجتماعی (خانواده، کشور، سیاست، دفاع، اقتصاد،
فرهنگ،.....) ارزشمند تلقی شده است. البته علمای اسلام هشدار می‌دهند که نباید هیچ مرد یا زنی
برای به دست آوردن ارزش اجتماعی، دست به اعمالی بزند که شأن انسانی و اسلامی وی را به
خطر بیندازد. امام خمینی هم معتقد بودند که زن بسیار محترم است و نباید با او مثل شیء برخورد
کرد معتقد بودند که اسلام می‌خواهد زن در عین اینکه ارزش خود را حفظ می‌کند در تمام
فعالیت‌ها شرکت نماید و به اینچنین زنانی مباحثات می‌کردند ایشان در این باره می‌فرمایند:

اسلام می‌خواهد زن مثل همان طوری که مرد همه کارهای اساسی را
می‌کند زن هم بکند،... اسلام، می‌خواهد زن را حیثیت و احترامش را حفظ
کند؛ می‌خواهد شخصیت به زن بدهد که از این شیئیت بیرون بیاید... اسلام
به زن خدمتی کرده است که در تاریخ همچو سابقه‌ای ندارد (امام خمینی
۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۸).

شما خانمها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در
جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید. و من
امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰:
۹) ما باید امروز... به زنان خویش افتخار نماییم. چه افتخاری بالاتر از این که
زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق، و پس از سرکوبی آن، در
مقابل ابرقدرتها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود
نشان داده‌اند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان
ثبت نشده است. مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی

آن قدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است
(امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۱۹۴).

۹- طبق دیدگاه فمینیستی، زن مانند مرد در همه زمینه‌های اجتماعی و فردی باید دارای آزادی مطلق باشد. تفاوت‌های موجود بین زن و مرد نادیده گرفته می‌شود و حجاب، خانواده، فرزندداری، هر یک در این تلقی، زنجیره‌هایی به حساب آمده اند که زن را در حصار خود قرار می‌دهند و دست و پای او را می‌بندند.

نقد: در اسلام، آزادی انسان بی‌حد و مرز نیست و لابلالی‌گری و آزادی بی‌قید و شرط مردود است. و این موضوع، خاص زنان نیست بلکه در مورد تمام انسانهاست. امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: «امروز باید خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۹۳-۱۹۲).
همسر امام خمینی می‌گویند:

امام در مسائل خصوصی زندگی من دخالت نمی‌کردند. اوایل زندگیمان، یادم نیست هفته اول یا ماه اول، به من گفتند: من کاری به کار تو ندارم. به هر صورت که میل داری لباس بخر و بیوش اما آنچه از تو می‌خواهم این است که واجبات را انجام دهی و محرمات را ترک بکنی، یعنی گناه نکنی (سایت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری).

نتیجه‌گیری

در پایان ذکر این نکته لازم است که علی‌رغم دیدگاه‌های دلسوزانه (اگر خوشبینانه به آنها بنگریم) و اعتراض‌آمیز خانم بووار که حاکی از وضعیت نامطلوب زنان در جامعه آن روز اروپا بوده است و نیز تلاش‌های سایر نظریه‌پردازان فمینیست که در راستای احقاق حقوق زنان در سراسر جهان صورت گرفته است، هنوز وضعیت زنان حتی در کشورهای توسعه‌یافته مطلوب نیست و جنبش فمینیستی نه تنها نجات‌بخش زن نبوده است بلکه گرفتاری‌ها و معضلات جدیدی در مقابل او قرار داده است. به طور مثال، آمارها نشان می‌دهند که زنان آمریکایی قربانیان خشونت خانگی هستند. زنان ۵۱ درصد جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند در حالی که در یکصد و سیزدهمین کنگره ایالات متحده، زنان فقط ۹۸ کرسی یا حدود ۱۸ درصد از ۵۳۵ کرسی کنگره را در اختیار دارند. همچنین مطابق گزارش وزارت کار ایالات متحده که در جولای ۲۰۰۹ منتشر شده، تفاوت میانگین درآمد زنان (که تحت عنوان gender pay gap شناخته می‌شود)، ۸۰ درصد میانگین

درآمد مردان است و ۷۰ درصد از نیروی کار زنان این کشور، از بیمه درمان محرومند (U.S. Dept. of Labor 2009: 23) در ایالات متحده، زنان جوان کم درآمد، در سنین ۲۰ تا ۲۴ سال در معرض خشونت‌های خانگی و آزارهای جنسی قرار دارند و در هر ۲ دقیقه، یک نفر (۱۲ ساله به بالا) قربانی تجاوز در آن کشور می‌شود (RAIIN 2008).

درست است که به زنان اجازه داده می‌شود که در مشاغل تخصصی فعالیت کنند ولی بیشتر زنان در شبکه‌های تبلیغاتی کالاها، مصرفی و شبکه‌های مدگرایی به کار گرفته شده‌اند. جالب این است که اگر زنان جوامع آمریکایی و غربی را از جامعه آنها حذف کنیم، در سیاست، تجارت و فرهنگ آنها خلل ایجاد می‌شود؛ زیرا نمایش زنان در این کشورها درآمد بسیاری دارد و متأسفانه در بیشتر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه هم وضع به همین منوال است. ولی همانطور که در متن تحقیق اشاره شد، با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، زن جایگاه واقعی خود را به دست آورد و سوره و آیاتی منتسب به زنان بر پیامبر نازل گردید. زن که در عصر جاهلیت فقط وسیله‌ای برای خوش گذرانی بود، با ظهور اسلام شأن و مقامی عظیم پیدا کرد؛ به طوری که با پیامبر بیعت کرد، در جنگ با کفار از پیامبر محافظت کرد، و این اجازه را داشت که در کنار مردان، با حفظ شئون اسلامی، به فعالیت بپردازد و با گوهری که اسلام به زن داد (حجاب و عفت) از بی‌حرمتی‌ها و اهانت‌ها مصون بماند. در جوامع اسلامی نیز با تأسی بر پیامبر عظیم‌الشأن، تاریخ شاهد حضور مؤثر زنان در جهت‌گیری‌های مهم بوده است که نمونه‌هایی از شاخص نقش‌آفرینی آنان در زیر آمده است:

- حضور در عرصه کسب علم و دانش در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز آموزشی.
- بهداشت و درمان بیماران به ویژه زنان و دختران.
- حضور در عرصه انتخابات و تعیین سرنوشت جامعه.
- تصدی پست‌های کلیدی مانند وزارت، نمایندگی مجلس، ریاست دانشگاه و معاونت‌ها و مدیریت‌ها.
- ارائه خدمات به زنان در ابعاد مختلف اجتماع.
- پشتیبانی از مجاهدان و مدافعان حاضر در میدان جنگ.
- پذیرش مسئولیت‌های مورد نیاز جامعه اسلامی در چهارچوب حفظ خانواده.

- ابن شعبه، حسن بن علی. (بی تا) *تحف العقول*، مترجم آیت الله کمره‌ای، انتشارات کتابچی. احمدی، نوشین. (۱۳۷۹) *جنس دوم (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر توسعه.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام* (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- ایولین، زید. (۱۳۸۳) *آزادی زنان*، تهران: انتشارات گل آذین.
- بسلی، کریس. (۱۳۸۵) *چیستی فمینیسم*، ترجمه محمد رضا زمردی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول.
- بهداروند، محمدمهدی. (۱۳۸۷) «اسلام و جایگاه زن در کانون خانواده»، *ماهنامه پیام زن*، شماره ۲۰۱. بووار، سیمون دو. (۱۳۷۹) *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: انتشارات توس.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲) *نهج الفصاحه*، تهران: انتشارات دنیای دانش، چاپ چهارم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸) *زن در آینه جلال و جمال الهی*، تنظیم و ویرایش محمود لطیفی، قم: نشر اسراء.
- حرّعاملی، محمدبن حسین. (۱۳۸۵) *وسائل الشیعه*، ترجمه علی افراسیابی، انتشارات نهاوندی.
- سابق، سید. (۱۴۲۴) *فقه السنّه*، قم: مؤسسه چاپ و نشر دارالهادی، چاپ اول.
- سایت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. «گوشه‌هایی از زندگینامه بانو خدیجه ثقفی (همسر امام خمینی)»، www.women.gov.ir/pages/content.php?id=3607.
- سخنرانی مقام معظم رهبری تیرماه ۱۳۸۶*.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا) *خصال*، تهران: انتشارات کتابچی.
- _____ . (ب بی تا) *من لایحضره الفقیه*، قم: انتشارات جماعة المدرّسین فی الحوزة العلمیه فی قم المقدسه.
- صراف، شیما. (۱۳۹۱) «اشتغال زنان از نگاه قرآن و سنت»، مترجم عبدالله امینی، *ماهنامه پیام زن*.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۵) *مکارم الاخلاق*، مترجم سید ابراهیم میر باقری، تهران: انتشارات فراهانی.
- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۹۹۵) *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: انتشارات العذیر للدراسات الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین. (۱۳۷۳) *مستدرک الوسائل*، قم: انتشارات انصاریان.
- Oliver, Kelly (ed.). (2000) *French Feminism Reader*, Rowman & Publishers.
- RAIIN (Rape, Abuse and Incest National Network). (July 2008)
- U.S. Dept. of Labor, Bureau of Labor Statistics. (July 2009)